

The evolution of industrial property rights in western countries and its effects on Malaysia

Seyed Hassan Shobeiri Zanjani* | Reza Soltani** | Seyed Ahmad Dehghani***

Received: ۲۰۲۴/۱۲/۲۸ Recieved in revised form: ۲۰۲۴/۰۲/۱۱ | Accepted: ۲۰۲۴/۰۳/۱۰ | | Published: ۲۰۲۴/۰۳/۱۶

Abstract

In the history and origin of the patent system, some writers have considered the early Renaissance in Italy around the ۱۵th century as the source of changes, but according to the historical documents of the law of Solon attributed to the Greek politician of the same name, it was the primary origin of this system; A system based on an exclusive license from the government for the interactions and economic interests of society in the industries of that time. Other types of support were created through the trade union system and royal favor, etc., centuries after that, and finally, in the ۱۷th century, it was created similar to the current system in human society, which can be attributed to the development of the industrialized countries. know the system. In the case of trademarks, although the division of ownership has also followed the inventions, but the concept is close to the contemporary time from around the ۱۰th century AD. In the case of geographical indications, although its use in a specific product was widespread in the ۱۳th century, its widespread aspect was in the early ۱۹th century. In this research, by analytical-descriptive method and by collecting materials in the library method, we have investigated the course of this development and evolution in the field of industrial property rights in the West, and we have investigated its impact in the Islamic country of Malaysia. ; In parallel with these developments, the rule of colonialism in this country led to the marginalization of the rules and foundations of Islamic jurisprudence and the unquestioning acceptance of intellectual property laws.

Key words: Solon's law, concession, industrial property, private property, colonialism.

* Associate Professor, Department of Intellectual Property Law, Faculty of Law, Qom University, Iran.
shshobeiri@gmail.com

** Master's degree in intellectual property law, Qom University, Iran

*** Ahmad, PHD student of private law, Mofid University, Qom, Iran

* Shobeiri, H; Soltani, R; Dehghani A. (۲۰۲۴) **The evolution of industrial property rights in western countries and its effects on Malaysia**. *The Doctrine of private law in Islamic countries*, ۱(۱). ۲۸ – ۱۶.

<https://doi.org/۱۰.۲۲۰۹۱/DPLIC.۲۰۲۴.۱۰۳۵۶.۱۰۱۱>

سیر تکاملی حقوق مالکیت صنعتی در کشورهای غربی و تأثیرات آن بر کشور مالزی

سید حسن شیرینی زنجانی* | رضا سلطانی** | سید احمد دهقانی***

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

چکیده

در تاریخچه و منشا پیدایش نظام اختراعات برخی از نویسندگان، اوایل رنسانس در ایتالیا حدود پانزدهم میلادی را منشا تحولات محسوب نموده اند ولی به گواه اسناد تاریخی قانون سولون منتسب به سیاستمدار یونانی به همین نام، منشا پیدایش اولیه این نظام بوده است؛ نظامی مبتنی بر مجوز انحصاری از طرف دولت برای تعاملات و منافع اقتصادی جامعه در صنایع آن زمان. دیگر انواع حمایت ها از طریق نظام صنفی و لطف سلطنتی و... قرن ها پس از آن به وجود آمد که در نهایت در قرن هفدهم شبیه نظام کنونی در جامعه بشری ایجاد گردید که می توان شکوفایی و پیشرفت اقتصادی کشورهای صنعتی را مرهون توسعه این نظام دانست. در مورد علامات تجاری نیز هر چند تمایز بخشی مالکیت نیز پا به پای اختراعات بوده است ولی مفهوم نزدیک به زمان معاصر آن از حدود قرن دهم میلادی می باشد. در مورد نشانه های جغرافیایی نیز هر چند استفاده از آن در یک محصول خاص در قرن سیزدهم رواج داشته است ولی جنبه فراگیر آن در اوایل قرن نوزدهم بوده است. در این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی و با جمع آوری مطالب به روش کتابخانه ای، سیر این تحول و تکامل را در حوزه حقوق مالکیت صنعتی در مغرب زمین مورد بررسی قرار داده و و تأثیر آن را در کشور اسلامی مالزی مورد بررسی قرار داده ایم؛ به موازات این پیشرفت ها، سلطه استعمار در این کشور، منجر به حاشیه راندن احکام و مبانی فقه اسلامی و پذیرش بی چون و چرای قوانین مالکیت فکری گردید.

کلمات کلیدی: قانون سولون، اعطای امتیاز، مالکیت صنعتی، مالکیت خصوصی، استعمار

* دانشیار گروه حقوق مالکیت فکری دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). shshobeiri@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه قم، قم، ایران

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه مفید، قم، قم، ایران

* شیرینی زنجانی، سید حسن؛ سلطانی، رضا؛ دهقانی، سید احمد. (۱۴۰۳). سیر تکاملی حقوق مالکیت صنعتی در کشورهای غربی و

تأثیرات آن بر کشور مالزی، فصلنامه آموزه های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی (۱)، ۱۶-۳۸.

۱۰,۲۲۰۹۱/DPLIC.۲۰۲۴,۱۰۳۵۶,۱۰۱۱

مقدمه

مسئله نوآوری و حمایت از آن، به گواهی تاریخ، دارای پیشینه‌ای بسیار ظریف و عمیق می‌باشد. نوآوری از جمله بدیهیات توسعه هر جامعه بوده و هر جا، نوآوری به دلایلی دچار وقفه گردد زنگ خطری بسیار جدی برای دولتمردان خواهد بود. حمایت از نوآوری نیز ابزاری برای ایجاد انگیزه در جامعه می‌باشد؛ به طوری که می‌توان گفت نوآوری و حمایت از آن، دو روی یک سکه اساس تحول در یک جامعه می‌باشند. آن چه امروز به عنوان حقوق مالکیت صنعتی به عنوان بخشی از حقوق مالکیت فکری مورد شناسایی دولت‌ها قرار گرفته است نتیجه فراز و نشیب‌ها و تحولاتی است که طی چندین قرن از تاریخ بشری شکل گرفته است؛ هدف اولیه ایجاد ر شد و حرکت در جامعه با ابزارهای اولیه حقوقی بود که نهایتاً منجر به استفاده از انحصار در بعد زمانی و حقوقی به نفع صاحبان آثار فکری در عصر حاضر شد؛ تا حدی که در قرن حاضر آن حمایتی که در قرون گذشته در بعد مکانی خاصی بود هم اکنون ابعاد بین‌المللی ویژه‌ای یافته است. تنوع ابزارهای حقوقی به کار رفته در حمایت از نوآوران، بر اساس مقتضیات زمانی و نیازهای جامعه غربی بوده است هر چند ادعای وجود روش دیگر بر اساس عقل بشری امروزه شاید صرفاً یک ادعا باشد و به گواهی تاریخ، پیشروی غرب در فناوری و استفاده از قدرت و استعمار حتی زمینه شکل‌گیری دیگر ابزارهای حمایتی را اگر نگوییم از بین برده است بسیار کم‌رنگ و بی‌رسم کرده است. در تحقیق پیش رو، سیر تحولات حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در غرب را مورد توجه قرار داده و برای اثبات ادعای بالا، به بررسی شکل‌گیری اولیه حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در کشور اسلامی مالزی می‌پردازیم. دلیل انتخاب این کشور جنوب شرقی آسیا از یک بعد جنبه اسلامی داشتن این کشور و از بعد دیگر فاصله داشتن از کشورهای خاورمیانه و متصل به هم می‌باشد؛ کشورهای مسلمان خاورمیانه به استثنای ایران، همگی تا قرن اخیر، جزء امپراتوری عثمانی بوده و حتی قوانین فعلی کشورهای استقلال یافته آن نیز شباهت‌های چشم‌گیری دارند. کشور مالزی که در قرن گذشته شامل سنگاپور و برونئی نیز بوده است از قرن سیزده میلادی، پذیرای اسلام به عنوان دین رسمی و سراسری در خود شده است و قوانین اسلامی از منابع معروف آن زمان، در آن کشور اجرا شده است؛ اما با ورود کشورهای استعمارگر به ویژه بریتانیا، همگام با رشد روزافزون حمایت از آثار فکری، راه قوانین غربی نیز به این کشور از جمله قوانین حمایت از مالکیت صنعتی باز گردید و موجب تحولاتی در این نظام حقوقی اسلامی گردید. از این رو در ساماندهی این تحقیق، ابتدا تاریخچه حقوق اختراع در دوران باستان، قرون وسطی و دوره رنسانس و تا قرن اخیر را در غرب مورد بررسی قرار داده و پس از آن به تاریخچه شکل‌گیری دیگر مصادیق مالکیت صنعتی یعنی علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی خواهیم پرداخت و بخش آخر را به بررسی روند نفوذ و شکل‌گیری حمایت‌های غربی از حقوق مالکیت صنعتی در کشور مستعمره مالزی اختصاص خواهیم داد.

۱. تاریخچه حق اختراع

گرچه برخی از نویسندگان، اوانل دوره رنسانس ایتالیا در قرن ۱۵ میلادی را آغاز شناسایی حق اختراع می‌پندارند (۴-۳: Mossoff, ۲۰۰۰)، اما با مراجعه به منابع و مدارک تاریخی به نظر می‌رسد سابقه آن بسی طولانی‌تر بوده و با اندک تسامحی در دایره این مفهوم، شاید بتوان گستره آن را تا قرن‌ها قبل از میلاد کشاند.

۱-۱. پیش از میلاد مسیح

نخستین بارقه‌های حمایت از اختراعات و توجه به آنها به عنوان شکلی از مالکیت (فکری)، برای مخترعان را می‌توان در برخی کشورهای داعیه دار پیشرفت و تمدن در قرن پنجم پیش از میلاد مسیح یافت. در این بازه زمانی یونان شاهد رشد و توسعه قابل توجه علوم فلسفه و حقوق بود؛ در نتیجه همین تحولات، حقوق مخترعین نیز مورد توجه قرار گرفتند. در این دوره تاریخی که در حدود قرن پنجم قبل از میلاد آغاز و با دوران رکود علم و صنعت در اروپا یا همان قرون وسطی پایان می‌یابد (Adams, ۲۰۱۹: ۲)، اشخاصی همچون سولون^۱ دولتمرد، سیاستمدار و فیلسوف آتنی نخستین نظام حمایت از مالکیت صنعتی (اختراعات) را بنا نهادند.

گرچه اختراعات همواره نقش پررنگی در حیات بشری داشته و دارند لیکن در قرن پنجم پیش از میلاد مسیح نگرشی متفاوت در خصوص جایگاه و ماهیت آنها وجود داشت که اختراع را صرفاً در تعامل با منافع اقتصادی حاصل از آن حائز اهمیت می‌دانست و در نتیجه تعبیر صنعت و صنعتگر در این دوران مفاهیم اختراع و مخترع را نیز در بر می‌گرفتند. در چنین وضعیتی، نظام حقوقی ساده و بدوی سولون که تحت عنوان قانون اساسی سولونی نیز شناخته می‌شد^۲ صنعتگران و تولیدکنندگان را قادر می‌ساخت که در صورت تجویز دولت، انحصاراتی را برای محصولات و دستاوردهای صنعتی خود به دست آورند، حقوق انحصاری که تنها ناظر بر منافع مادی حاصل از محصول بود و صرفاً در فرض قرار گرفتن شخص در طبقات بالای جامعه به او اعطا می‌شد. با این توضیح که قانون اساسی جدید سولون انحصار نجیب زادگان^۳ را لغو و انحصار دولتی قابل اعطا به طبقات خاص شهروندان را پدید آورد. سولون بر اساس معیار درآمد سالانه شهروندان را به چهار گروه درآمدی تقسیم کرد و برای نخستین بار انحصار صنفی را برای طبقاتی همچون صنعتگران ایجاد کرد (Cadoux, ۲۰۲۳).

به موجب نظام حقوقی نوین طراحی شده توسط سولون و پیدایش انحصار در مقررات حاکم بر صنایع و محصولات حاصل از آنها، اعم از اختراعات، جایگاه دولت به عنوان اعطا کننده و ضامن حقوق انحصاری در خصوص این موارد تصریح و تثبیت شد. هرچند این انحصارات در آغاز بیش از هر چیز بخش‌هایی همانند معدن، تجارت و تولید را تحت تأثیر قرار می‌داد که در نتیجه

^۱ Solon, aka Solon the Lawgiver

^۲ Solonian constitution

^۳ Eupatridae

آن دولت به اشخاصی معین حقوق انحصاری برای تولید یا تجارت کالاها یا خدمات خاص را اعطا می‌کرد. این حقوق انحصاری، برای مدت محدودی به طبقات ملاک و صنعتگر اجازه می‌داد بازار را تحت کنترل خود داشته باشند. افزون بر اعطای انحصارات، قانون سولون دولت را قادر می‌ساخت که فعالیت‌های دارندگان حقوق انحصاری را، تنظیم و بر آنها نظارت کند، این امر با هدف حصول اطمینان از رعایت استانداردهای کیفی و حفظ حقوق و منافع مصرف‌کنندگان پیش‌بینی شده بود.^۴

در پایان باید در نظر داشت که همانند بسیاری از نظام‌های حقوق مالکیت صنعتی نوین، در قانون اساسی سولون حمایت از صنایع و پیرو آن مصادیق مالکیت صنعتی و همچنین به رسمیت شناختن آن اساساً در خدمت اهدافی همچون کنترل متمرکز و تنظیم عملکرد صنایع خاص قرار گرفته بود.

۲-۱. قرون وسطی

دورانی که از آن تحت عنوان قرون وسطی یاد می‌شود سال‌های ۵۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی را در برمی‌گیرد. جنگ، خونریزی و عدم ثبات وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که با فروپاشی امپراتوری روم در سال ۴۷۶ سرتاسر اروپا را در بر گرفت، تا پایان این دوران همچون موج‌هایی بی‌رحم بر پیکره ساحلی طوفانی، کشورهای اروپایی را مورد تاخت قرار می‌دادند. در نتیجه این وضعیت، اندیشه جنگ و دستیابی به موقعیت مسلط نظامی مجال چندانی برای تمرکز بر پرداخت و توسعه یک نظام مدون حقوق مالکیت صنعتی باقی نمی‌گذاشت. بر همین اساس، بیراه نیست اگر مدعی شویم، اروپای این دوران در زمینه حمایت از حقوق مالکیت صنعتی از یونان و روم قبل از میلاد در جایگاهی پایین‌تر قرار داشت.

در قرون وسطی، به‌ویژه در کشورهای حقوق عرفی همچون انگلستان، مفهوم حمایت از حق اختراع آن‌طور که امروزه مورد نظر است، وجود نداشت. با این حال، در این دوره تاریخی نیز، سازکارهایی وجود داشتند که سطوح مشخصی از حقوق انحصاری را برای مخترعان و صنعتگران به جهت حمایت از دستاوردهای فکری-صنعتی خود، فراهم می‌کردند. برخی از این سازوکارها مشابه با حمایت از اختراعات در نظام‌های حقوق مالکیت فکری نوین بوده و برخی دیگر نیز به صورت خاص حاصل تعامل مخترع با دربار و نظام فئودال حاکم بر اروپای آن دوران بودند.^۵

^۴ <https://www.britannica.com/biography/Solon>

^۵ برای اطلاعات بیشتر از سیر تکاملی حق اختراع در قرون وسطی رک: "حق اختراع و مبانی آن در آینه تاریخ" نوشته دکتر سید حسن شبیری زنجان، فصلنامه تخصصی دین و قانون، شماره ۷ بهار ۹۴، صص ۱۲۵-۱۳۱

۱-۲-۱. اعطای اختراع نامه

اصطلاح «اختراع نامه»^۶ در انگلستان قرون وسطی وجود داشت و به اعطای حقوق یا امتیازات انحصاری توسط پادشاه به افراد یا سازمان‌ها اشاره می‌کرد. اگرچه کمک‌های مالی جنبه‌های مختلفی را پوشش می‌دهد، اما تنها بر اختراعات یا نوآوری‌ها متمرکز نشده است. در این دوران اختراع نامه‌ها در زمینه‌هایی مانند انحصارات تجاری اعطا می‌شدند، بنابراین این شکل از امتیازات در ابتدا و به صورت خاص ناظر بر اختراعات به مفهوم امروزی آن نبودند.

مشهورترین این شکل از امتیازات توسط پادشاه هنری سوم^۷ در سال ۱۲۳۶ به بونوفوس دو سانکتا^۸ اعطا می‌شود، به موجب این امتیاز بونوفوس حق انحصاری تولید پارچه‌هایی رنگی در بوردو به مدت ۱۵ سال اعطا می‌شود. در سال ۱۳۳۱، ادوارد سوم به منظور تشویق صنعتگران خارجی به اسکان در انگلستان حمایت نامه‌ای به جان کمپ، بافنده فلاندی، اعطا می‌کند. این رویه تا سال ۱۴۲۱ که اولین گواهی اختراع به فیلیپو برونلسکی در زمینه کشتی باری مخصوص بارگیری و تخلیه اشیایی مانند سنگ مرمر در رودخانه اعطا شد، ادامه یافت (Kretschmer, Bently, & Deazley, ۲۰۱۰: ۳۹-۴۳).

۱-۲-۲. نظام صنفی

صنف یا گیلد^۹ در قرون وسطی انجمنی از صنعتگران یا بازرگانان بود که برای همکاری و حمایت متقابل در راستای اهداف صنعتگران برای پیشبرد منافع حرفه‌ای آنها تشکیل می‌شد. این سبک از اصناف بین قرن‌های ۱۱ و ۱۶ در اروپا شکوفا شدند و بخش مهمی از بافت اقتصادی و اجتماعی آن دوران را در بر می‌گرفتند (Hoogenboom et al, ۲۰۱۸: ۲۶۷). سیستم صنفی نقش مهمی در انگلستان قرون وسطی ایفا می‌کرد. عموم این اصناف با هدف حافظت و تنظیم تجارت خود تشکیل می‌شدند و همین امر باعث شده بود تا اصناف اغلب مقررات و استانداردهای سختگیرانه‌ای برای ورود به حرفه خود از جمله دوره‌های کارآموزی و آزمونهایی را در نظر گیرند. اصناف با کنترل افرادی که می‌توانند یک حرفه یا تجارت خاص را انجام دهند، به دنبال حفظ استانداردهای کیفیت و حفظ منافع اقتصادی اعضای خود بودند. این وضعیت شکلی از انحصار محدود را برای اعضای صنف فراهم می‌کرد و به آنها را قادر می‌ساخت تا از حقوق انحصاری در یک حیطه خاص از صنعت برخوردار شوند. حقوق و امتیازات انحصاری خاصی که نوعی پوشش حمایتی را در خصوص دستاورد ها و مهارت‌های آنها فراهم می‌کرد (Stabel, ۲۰۰۴: ۱۸۷-۱۸۹).

^۶ Letters Patent

^۷ Henry III, aka Henry of Winchester

^۸ Bonofusus de Sancta Columba

^۹ Guild

۳-۲-۱. لطف سلطنتی

مخترعان و صنعتگران اغلب به حمایت و نفع سلطنت یا اشراف برای به رسمیت شناختن و حمایت از نوآوری‌های خود متکی بودند. افرادی که از حمایت شخصیت‌های با نفوذ برخوردار بودند، بیشتر از حمایت، کمک مالی یا حمایت قانونی برخوردار بودند. این رویکرد حمایتی نخستین بار در انگلستان و در خصوص اختراعات دارویی به مطرح شد. در این روش از حمایت، به پزشکانی که خدمات پزشکی به خانواده سلطنتی ارائه می‌کردند، برای ترکیبات دارویی خود گواهی لطف سلطنتی اعطا می‌شد (Weiser, ۲۰۲۰).

۴-۲-۱. اسرار تجاری

در پایان باید توجه داشت که در این دوران به علت ناپایداری بسیاری از فرآیندهای حمایتی پیشین، بسیاری از صنعتگران و مخترعان به جای تکیه بر حمایت قانونی رسمی که مشروعیت خود را از اراده سلاطین و حکام فئودال می‌گرفت و به سادگی نیز قابل عدول یا تغییر بود، تکنیک‌ها، فرآیندها و روش‌های ساخت خود را به عنوان اسرار تجاری حفظ می‌داشتند. این اشخاص با صیانت دقیق از دانش و مهارت خود و انتقال آن صرفاً از طریق دوره‌های کارآموزی یا به شکل خانوادگی، مزیت و موقعیت رقابتی خود را حفظ می‌کردند.

۲. نخستین نظام‌های حقوقی مدون حمایت از مالکیت صنعتی

۱-۲. نظام حمایت از اختراعات ونیزی

نخستین نظام حقوقی مدون حمایت از مالکیت صنعتی پس از قرون وسطایی در اروپا به ونیز منتسب است، نظامی که در اواخر قرن پانزدهم میلادی تدوین و به موقع اجرا گذاشته شد. در سال ۱۴۷۴، جمهوری ونیز قانونی را به تصویب رساند که به نام «قانون ثبت اختراعات ونیزی» شناخته می‌شود. این قانون اولین در نوع خود برای ایجاد یک نظام رسمی برای اعطای حقوق انحصاری به مخترعان در نظر گرفته می‌شود.

بر اساس قانون ثبت اختراع ونیزی، مخترعان می‌توانستند اختراعات خود را برای ارزیابی و اعطای احتمالی اختراع به سنای ونیز ارسال کنند. اعطای حق اختراع به مخترع انحصار موقت اختراع خود را می‌دهد که معمولاً برای یک دوره ۱۰ ساله به طول می‌انجامد. هدف سیستم ثبت اختراع تشویق نوآوری و رشد اقتصادی از طریق پاداش دادن به مخترعان با حقوق انحصاری برای بهره‌برداری تجاری از اختراعات آنها بود.

این قانون مخترعان را ملزم می‌ساخت تا به منظور کسب حقوق انحصاری اختراعات خود را به طور کامل افشا کرده و دانش و پیشرفت‌های حاصل از آنها در دسترس عموم قرار گیرد. این تأکید بر افشای اطلاعات و انتشار دانش و فناوری کمک شایانی کرده و ونیز آن دوران را به مهد صنعت اروپا مبدل می‌کند.

گرچه قانون ثبت اختراع ونیز به طور گسترده به عنوان اولین قانون ثبت اختراع در اروپا در نظر گرفته می شود، اما محدود به صلاحیت جمهوری ونیز بود و یک سیستم استاندارد ثبت اختراع اروپایی را ایجاد نکرد. مفهوم حمایت از حق ثبت اختراع به تدریج در طول قرون بعدی به سایر نقاط اروپا گسترش یافت و کشورها قوانین و سیستم های ثبت اختراع خود را بر اساس نیازها و شرایط خاص خود اتخاذ کردند.

۲-۲. نظام حمایت از مالکیت صنعتی انگلستان

اولین قانون ثبت اختراع مهم در انگلستان، قانون انحصارها بود که در سال ۱۶۲۴ در زمان پادشاهی جیمز اول به تصویب رسید.

قانون انحصارها برخی از انحصارات را که برای تجارت مضر تلقی می شدند لغو کرد و اعطای انحصارات در آینده را با چند استثناء قابل توجه محدود کرد. با این حال، مفهوم «اختراع نامه» را نیز به عنوان ابزاری برای اعطای حقوق انحصاری به مخترعان و مبتکران معرفی کرد.

بر اساس این قانون، افرادی که «هر گونه تولید جدید» می کردند، واجد شرایط دریافت حق ثبت اختراع بودند که به آنها حقوق انحصاری برای بهره برداری از اختراعات خود برای مدت زمان معینی اعطا می کرد. این انحصار به مخترعان این امکان را می داد که از انحصار برخوردار شوند و از مزایای اقتصادی خلاقیت خود بهره ببرند.

قانون انحصارها نقش مهمی در ایجاد یک چارچوب قانونی رسمی برای حمایت از پتنت در انگلستان ایفا کرد. در طول سالها، قوانین و تحولات قانونی بعدی، قوانین ثبت اختراع را برای تطبیق با پیشرفت های فناوری و پاسخگویی به نیازهای متغیر مخترعان و جامعه، اصلاح و گسترش داد.

توجه به این نکته ضروری است که در حالی که قانون انحصارها در شکل دادن به قانون ثبت اختراع در انگلستان تأثیرگذار بود، یک سیستم جامع ثبت اختراع را آنطور که امروز می شناسیم ایجاد نکرد. سیستم ثبت اختراع مدرن در انگلستان از طریق قوانین و تصمیمات قضایی بعدی که بر اساس قانون انحصارها بنا شده بود، تکامل یافت.

۲-۳. تصویب اولین قوانین حق اختراع در فرانسه و آمریکا قرن ۱۸

قبل از تصویب اولین قانون حق اختراع فرانسه بعد از انقلاب کبیر در سال ۱۷۹۱، نظام پادشاهی حمایت از نوآوری ها و اختراعات بر مبنای دو نظام پاداش و ایجاد انگیزه بود. در طول این مدت، مخترعان و واردکنندگان فناوری های جدید به داخل فرانسه، از حمایت های مالی گوناگونی بهره مند بودند، از جمله اعطاء مستمری به مخترع و در پاره ای موارد به همسر و فرزندان، اعطاء وام، سوبسید و برخورداری از معافیت های گمرکی. به علاوه پادشاه در شرایطی خاص از اختیار ویژه خود استفاده می کرد و امتیازهای انحصاری را به اشخاص یادشده اعطا می کرد. مدت حمایت از ۵ سال تا حمایت نامحدود متغیر بود. این نظام پیچیده حمایتی پادشاه با وقوع انقلاب کبیر فرانسه به طور کلی لغو گردید و نظام نوین حق اختراع فرانسه بر پایه دو

قانون ۱۷۹۱ (اصلاح شده در ۱۸۰۰) و ۱۸۴۴ میلادی بنا گردید. قانون‌گذاران انقلاب فرانسه قصد داشتند برای جلوگیری از فسادهایی که در نظام قبلی حمایت از نوآوری‌ها دیده می‌شد، نظام حقوقی جدیدی را با وضع قانون ۱۷۹۱ جایگزین سازند. از آنجایی که نظام مالکیت فکری فرانسه بر اساس حقوق طبیعی است، همین مبنا در تصویب نامه ۱۷۹۰ (یعنی یک سال قبل از تصویب اولین قانون حق اختراع فرانسه) اعلام شد که بر اساس آن هر نوع کشف یا اختراع از هر نوع صنعتی آن با شد، مال پدیدآورنده اثر صنعتی و از جمله حقوق طبیعی اوست و قانون‌گذار این حق طبیعی را با وضع قوانین مناسب تضمین و پشتیبانی می‌نماید. گرچه نظام حق اختراع فرانسه به حسب ظاهر تنها بر مبنای حق طبیعی بنا شد، اما همان‌طوری که در بیان ویژگی‌های این نظام اشاره می‌شود مبانی اقتصادی نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده‌اند. (Zorina Khan, ۲۰۰۶)

یکی از موفق‌ترین نظام‌های حق اختراع جهان، نظام حق اختراع ایالات متحده آمریکا است به گونه‌ای که از آغاز تشکیل این نظام حقوقی تا به امروز بیش از ۶ میلیون پروانه حق اختراع ثبت شده است و برتری صنعتی آمریکا ناشی از رفتار مطلوب و پسندیده با مخترعان و تشویق آنها به انجام فعالیت‌های نوآورانه بوده است. به دنبال برپایی نظام آمریکا و تصویب قانون اساسی آن در ۴ مارس ۱۷۸۹ بسیاری از مقامات بلندپایه آمریکایی ضرورت تصویب قوانین حمایت از نوآوری‌های افراد جهت حفظ استقلال و عدم وابستگی به اروپا را به درستی احساس نمودند و به همین خاطر چاره را در ایجاد زمینه‌های لازم جهت تشویق مردم به نوآوری و خلاقیت دیدند. و لذا قانون حق اختراع بر اساس همین اندیشه شکل گرفت. در واقع بعد از اینکه در قانون اساسی آمریکا به لزوم حمایت حقوقی از نوآوران و وضع قوانین لازم توسط کنگره جهت تشویق به نوآوری تصریح شد، در فاصله کوتاهی کنگره در اجابت به این خواسته اولین قانون حق اختراع را در ۵ آوریل ۱۷۹۰ به تصویب رسانید. این قانون برای اولین بار در تاریخ، حق اختراع را نه به عنوان حق شاهی که در قالب امتیاز به مخترع داده می‌شود، بلکه به عنوان تکلیف حکومت در تضمین مالکیت خصوصی مخترع به رسمیت شناخت.

۲-۴. آلمان و اولین قانون حق اختراع

بعد از تشکیل امپراطوری آلمان در سال ۱۸۷۱، در کمتر از ۶ ماه هر کدام از ایالت‌ها در صدد تصویب قانون حق اختراع برآمدند. این ایالت‌ها به دو دسته تقسیم شدند: یک دسته تحت تأثیر قانون فرانسه قانون حق اختراع خود را وضع نمودند مثل آلزاس و لورن و برخی دیگر هیچ اقدامی جهت وضع قانون حق اختراع از خود بروز ندادند مثل هامبورگ. با وجود این بعد از مذاکرات و مباحثات گسترده سرانجام آلمان اولین قانون واحد حق اختراع خود را در سال ۱۸۷۷ به تصویب رساند. این قانون بعدها کشورهای دیگر را تحت تأثیر خود قرار داد، از جمله اتریش، برزیل، آرژانتین، دانمارک، هلند، نروژ، روسیه و سوئد. در این قانون، وجود اداره حق اختراع برای اعطاء این حق پیش‌بینی شده بود. نظام حق اختراع آلمان در سال ۱۸۷۷ تحت فشار شرکت‌های صنعتی معیار حمایت را در «اولین مخترعی که زودتر از دیگران اثرش را به ثبت رساند» می‌دانست. اما در سال ۱۹۳۶، سوسیالیست‌های دولتی، سیستم «اولین مخترع واقعی» را به جای نظام قبلی پیشنهاد و تصویب نمودند.

۲-۵. قرن ۱۹ و نزاع بر سر اعتبار یا لغو نظام حق اختراع

هزینه های بالای ثبت اختراع و موانع پر پیچ و خم اداری در قرن نوزدهم سبب شد تا مخترعان کمتر به خود جرأت این را بدهند که اقدام به ثبت آثار خود کنند و این امر سرآغاز زمزمه هایی برای لغو سیستم حق اختراع شد. بدون شک حتی در اوج دوران انقلاب صنعتی بسیاری از مخترعین نتوانستند اختراعات خود را به ثبت برسانند. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل این کار این بود که قانون ضد انحصاری ۱۶۲۴ به مدت دو قرن اصلاح نشده بود و این در حالی بود که در این قانون مشکلات عدیده ای همچون بالا بودن هزینه ثبت اختراع، روال ناهموار و سخت در اجرا و نیز ابهامات فراوان به چشم می خورد. سرانجام این نقاط ضعف و نیاز شدید به اصلاح سبب شد تا انگیزه جدی برای بازنگری در قانون ۱۶۲۴ برای پارلمان به وجود آید. در این زمان، دو گروه در مقابل یکدیگر صف آرایی کردند؛ برخی معتقد بودند اساساً نظام حق اختراع باید ملغی اعلام شود. در مقابل برخی در صدد برآمدند تا قانون مساعدتری را برای مخترعین آماده سازند. این امر سبب بالاگرفتن نزاع در سالهای ۱۸۵۳ تا ۱۸۸۳ در طی حکومت ویکتوریا راجع به کارایی نظام حق اختراع شد. در این دوره که اوج نظام تجارت آزاد بود طرفداران الغاء سیستم حق اختراع این موضوع را که اختراعات بایستی از قاعده کلی ممنوعیت حقوق انحصارات (منوپولی) باید استثناء شود، مورد تردید جدی قرار دادند، زیرا به زعم آنان این امر از یک سو تشویق غیر ضروری را برای اختراعاتی که به هر حال انجام می شود به وجود می آورد و از سوی دیگر موانعی را بر سر راه صنعتگران مبتکر ایجاد می نماید.^{۱۰} از سوی دیگر طرفداران نظام حق اختراع استدلال می کردند که حق اختراع برای جامعه امری ضروری و لازم است، زیرا به اعتقاد آنان هر کس به موجب حق طبیعی خود بایستی حق مالکیت بر اندیشه خود را داشته باشد و اجتماع هم تکلیف دارد حق مالکیت او را به رسمیت شناخته و از آن حمایت نماید. تقریباً در همین زمان سراسر اروپا به همین آشفتگی و تردیدها دچار شده بود و به همین خاطر، هلند قانون حق اختراع خود را در بین سال های ۱۸۵۰ تا ۱۸۹۰ ملغی و منسوخ اعلام کرد.^{۱۱} کشورهایمانند سوئیس تحت تأثیر این کشمکش ها و عوامل دیگر حتی تا دهه اول قرن بیست اصلاً قانون حق اختراع نداشتند. (Blakeney, ۱۹۹۸: ۳۴۱) شاید بتوان ادعا نمود در تاریخ توسعه قوانین حق اختراع این دوره از برجسته ترین دوره هایی بود که در آن مخالفت هایی اساسی و جدی نسبت به کارایی نظام حق اختراع ابراز شده بود و این در حالی بود که اروپا در دوران جهش انقلاب صنعتی به سر می برد. پروفیسور باهمرت^{۱۲} اقتصاددان زوربخ مدعی بود که نظام حق اختراع هم اکنون به عنوان میوه های فاسد درخت تمدن درآمده و چیزی نمانده است که از درخت سقوط کند و مضمحل گردد. (Pohlmann, ۱۹۶۱: ۵۱) به نظر

^{۱۰} <http://www.virginialawreview.org/content/pdfs/۹۱/۱۳۱۳.pdf>

^{۱۱} Loc. Cit.

^{۱۲} Bähmert

آقای راجرز^{۱۳}، آنهایی که آغازگر این امر بودند که لفظ حقوق «مالکیت»^{۱۴} را بر اختراعات منطبق نمایند، هدف خاصی را در ذهن خویش داشتند. می‌خواستند که اصطلاح «امتیاز پادشاهی»^{۱۵} که در نزد عموم مردم در قرن ۱۹ لفظی مشمتر کننده و تنفرآمیز شده بود را با کلمه‌ای مطلوب و عموم پسند — یعنی لفظ «مالکیت»^{۱۶} — جایگزین سازند.^{۱۷} بر طبق نظر رنش دوبافلور^{۱۸} «مردم به عمد تئوری مصنوعی و غیر واقعی حقوق مالکیت مخترع را به عنوان بخشی از حقوق طبیعی انسان تفسیر و استفاده نموده‌اند» و این بدین خاطر بود که به جای استفاده از الفاظ و اصطلاحات ناپسند نزد مردم مثل «حق انحصاری»^{۱۹}، «امتیاز پادشاهی»^{۲۰} اصطلاح «مالکیت» به کار برده شود که مورد احترام همگان بوده و دارای مقبولیت عمومی و جایگاهی مناسب بین مردم است. (Price, ۱۹۱۳: ۱۷۱) به هر حال استدلالات مخالفان نظام اختراع تأثیرات عمیقی را بر کمیته های انتخابی پارلمان و پادشاه که در حال تحقیق پیرامون کارایی اجرای نظام حق اختراع در سال های ۱۸۵۲ - ۱۸۵۱، ۱۸۶۵، ۱۸۶۱ و ۱۸۷۲ - ۱۸۶۹ بودند بر جای گذاشت. برخی از مدارک و دلایلی که در اختیار این کمیسیون ها قرار گرفته بود آن چنان وجهه نظام حق اختراع را تخریب کرده بود که برخی از سیاستمداران در پارلمانهای انگلیس را بر این امر واداشت که لغو کامل نظام حق اختراع را به مجلس پیشنهاد دهند. (Price, ۱۹۱۳: ۱۷۱) لایحه اصلاح قانون حق اختراع که بر مبنای گزارش کمیته یاد شده در سال ۱۸۷۲ تهیه شده بود، شامل کاهش حمایت از حق اختراع به مقدار ۷ سال، کنترل های شدید و سخت جهت انطباق اختراع انجام شده با شرایط قانونی و ایجاد محدودیتهای فراوان جهت به حداقل رساندن تعداد اعطاء گواهینامه حق اختراع در سطح جامعه، لغو حق اختراع برای اختراعاتی که تا ۲ سال به عمد مورد استفاده قرار نگرفته اند و امکان صدور مجوزهای اجباری برای همه اختراعات بود. این لایحه ابتدا به تصویب مجلس اعیان انگلیس رسید، اما بعد از مدت کوتاهی لغو شد.^{۲۱} اما در نهایت این طرفداران نظام حق اختراع بودند که پیروز میدان گشتند؛ علت آن بحرانی بود که در سال ۱۸۷۳ در انگلستان به وجود آمد که منجر به رکود اقتصادی بسیار شدید شد. بدینسان بود که در باقیمانده سالهای قرن ۱۹ و نیز در تمام قرن ۲۰، نظام حق اختراع نه تنها تضعیف نشد بلکه توسعه فراوانی یافته و با حمایت شرکتها و کارتل های بزرگ اقتصادی این نظام هر روز

^{۱۳} Rogers

^{۱۴} Property

^{۱۵} Privilege

^{۱۶} Property

^{۱۷} <http://www.druid.dk/conferences/summer2003/Papers/GRANDSTRAND.pdf>

^{۱۸} Rentzsch de Boaffler

^{۱۹} Monopoly

^{۲۰} Privilege

^{۲۱} - <http://www.wipo.org/tk/en/hr/paneldiscussion/papers/word/drahos.doc>

بیش از گذشته تقویت شد (Blakeney, ۱۹۹۸: ۳۴۱)، به حدی که این نظریه در قرن ۲۰ رایج شد که حق اختراع وسیله‌ای ضروری و لاینفک در عصر تجارت آزاد می‌باشد.

۳. تاریخچه حق بر علائم تجاری

علائم تجاری به اندازه تاریخ بشر و مذهب قدمت دارد. باستان شناسان ظروفی را در حفاری های مناطق باستانی مصر، یونان و رم یافته اند که بر روی آنها علائم ممیز سازندگان آن نقش بسته شده است و این نشان از سابقه طولانی علائم تجاری دارد. البته بسیار بعید است که مفهوم و کاربرد این علائم به همان مفهوم پیشرفته امروزی آن باشد، به ویژه اینکه بسیاری از این علامتها که بر روی حیوانات اهلی گذاشته می‌شده است «علائم مالکیت»^{۲۲} بودند و بیشتر به هدف مشخص شدن مالک کالا به کار می‌رفتند. یکی از نمونه های استفاده از «علائم مالکیت» در اواسط قرون وسطی در حدود قرن ۱۰ میلادی بود که نشانه‌ای موسوم به «علامت تاجر»^{۲۳} بین بازرگانان اهمیت و رواج پیدا کرده بود. این نشانه ها که هنوز هم در سراسر دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد به منظور اثبات مالکیت کالا در مواقعی که کالا گم یا تلف شود بر روی آنها حک می‌شد.^{۲۴} در بین اصناف یا گیلدهای قرون وسطی، صنعتگران برای تشخیص کالاهایشان و تفکیک آنها از کالاهای تقلبی و نامرغوب مشابه، نشانه هایی را بر روی محصولات تولیدی خود می‌گذاشتند. با کمک این علامت ها که موسوم به «علائم محصول»^{۲۵} بودند، امکان تنبیه صنعتگران گیلد که محصولاتشان فاقد استانداردهای لازم بود فراهم می‌شد. به علاوه، آن علائم برای مشتری ها و مصرف کنندگان کالاها نیز سودمند بود، زیرا آنها نیز از این طریق کالاهای مرغوب و سره را از ناسره و با کیفیت پایین که توسط صنعتگران غیر حرفه‌ای یا متقلب ساخته می‌شد، تشخیص می‌دادند. بنابراین علائم یادشده، نه تنها عاملی جهت تشخیص منبع و سازنده تولید کالا بودند، بلکه به عنوان علائم نشان دهنده کیفیت کالا نیز به حساب می‌آمدند. با وجود این، فائده و هدف از این علائم باز هم با هدف علائم تجاری امروزی متفاوت بود. زیرا علائم تجاری در دنیای معاصر بیشتر به منظور تأمین منافع اقتصادی صنعتگر و سازنده کالا به کار برده می‌شده است، در حالی که علائم آن زمان برای فایده رسانی به مصرف کننده و مالک کالایی بود که این علائم بر روی آنها نقش بسته بود.^{۲۶} با ظهور انقلاب صنعتی و پیدایش کاپیتالیسم، نظام گیلد از هم فروپاشیده شد و نظام تجارت آزاد جای آن را گرفت. به همین منوال، هدف استفاده از علائم تجاری نیز تغییر کرد. به تدریج در کشورهای اروپایی، قوانین حمایت کننده از این علائم - چه در زمینه مدنی و چه در زمینه جزایی - وضع شد.

^{۲۲} - Proprietary Marks

^{۲۳} - Merchants Mark

^{۲۴} - <http://www.iip.or.jp/translation/ono/ch2.pdf>

^{۲۵} - Production Marks.

^{۲۶} - http://en.wikibooks.org/wiki/US_Trademark_Law

۳-۱. حمایت حقوقی از علائم تجاری در فرانسه

فرانسه در ۲ آوریل ۱۸۰۳ اولین قانون مرتبط با علائم تجاری خود را به نام «قانون مربوط به کارخانه، تولید و محل کار»^{۲۷} تصویب کرد که برای افرادی که به صورت متقابلانه مهر و علامت تاجری را به خود نسبت می‌دادند، مجازاتهایی در نظر گرفته شده بود. به علاوه در قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه (ماده ۱۴۲) و نیز در قانون مجازات ۱۸۲۴ آن (ماده ۴۳۲) سوء استفاده از نام و علامت تولید کننده در تجارت کالا جرم و مستحق مجازات دانسته شده بود. البته این سیستم را هم نمی‌توان به طور کامل با ساختار حقوق علائم تجاری در نظام کنونی معاصر منطبق دانست. از ۱۳ ژوئن ۱۸۲۷، فرانسه اولین قانون جامع علائم تجاری در جهان را به نام «قانون تولید و علائم تجاری کالاها»^{۲۸} تصویب نمود که به جهت اینکه بر مبنای نظریه های مدرن استوار بود، می‌توان آن را اولین قانون پیشرفته علامت تجاری قلمداد نمود. این قانون در سال های ۱۸۹۰ و ۱۹۴۴ اصلاح شد تا اینکه در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۴ قانون جدیدی با سیستم کاملاً متفاوت با گذشته از تصویب نمایندگان مجلس فرانسه گذشت. (Ladas, ۴۹: ۱۹۷۵) آخرین قانون علائم تجاری فرانسه در ژانویه ۱۹۹۱، به تصویب رسید که در آن مفاهیمی جدید همچون حمایت از علائم تجاری مشهور، علائم سه بعدی و علائم صوتی به تبعیت از مقررات اتحادیه اروپا آورده شده است.^{۲۹}

۳-۲. حمایت حقوقی از علائم تجاری در انگلیس

انگلیس تا سال ۱۹۰۵ - یعنی ۵۰ سال بعد از اولین قانون جامع علائم تجاری فرانسه - هیچ نظام جامع و کاملی برای حمایت از علائم تجاری نداشت. البته قبل از این زمان نیز در تاریخ ۷ آگوست ۱۸۶۲، قانون علائم کالاهای تجاری ۳۰ که مشتمل بر مقرراتی درباره علائم گمراه کننده و فریبنده بود و نیز در سال ۱۸۷۵، قانون ثبت علائم تجاری ۳۱ به تصویب رسیده بود. قانون جامع ۱۹۰۵ علائم تجاری انگلستان، دو بار به سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۳۷ اصلاح شد تا اینکه در سال ۱۹۳۸ قانون جدیدی وضع شد که به طور کامل با قوانین گذشته متفاوت بود. لازم به ذکر است این قانون در سال ۱۹۹۴ مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت. نظام ثبت علائم تغییراتی اساسی کرده بود و مفاهیم جدیدی به آن اضافه شده بود.

^{۲۷} - Factory, Manafactore and Workplace Act ۱۸۰۳.

^{۲۸} - Manufactore and Goodx Marks Act ۱۸۲۰.

^{۲۹} <https://www.worldtrademarkreview.com/guide/the-wtr-yearbook/۲۰۲۲/article/france>

^{۳۰} - Merchandise Marks Act ۱۸۶۲.

^{۳۱} - Trade Marks Act Registration ۱۸۷۵.

۳-۳. حمایت حقوقی از علائم تجاری در آلمان

اولین قانون علائم تجاری آلمان در ۳ نوامبر ۱۸۷۴ به نام «Gesetz Dermarkenschutz» وضع شد. این قانون سیستمی متفاوت با سیستم مبتنی بر «بررسی دقیق و پیش آزمایی»^{۳۲} را برپا نمود. همچنین مقرراتی خاص درباره ثبت علائم تجاری در آن دیده می‌شود. این قانون در ۱۲ می ۱۸۹۴ به نام «Gesetz zumschutz der na nuyen bezeichnungen»^{۳۳} اصلاح شد و در آن نظامی مشابه با نظام رایج مبتنی بر «بررسی دقیق و پیش آزمایی» پیش بینی شده بود. اصلاحیه بعدی قانون در سال ۱۹۳۶ این قانون را به قانونی پیشرفته در زمینه علائم تجاری تبدیل کرد که در سال ۱۹۵۷ و ۱۹۶۷ اصلاحاتی در آن انجام شد. در سال ۱۹۷۹ مقررات مربوط به علائم مربوط به خدمات تجاری نیز به این قانون اضافه شد. به دنبال اتحاد دو آلمان شرقی و غربی در ۱۳ اکتبر ۱۹۹۰، «قانون توسعه حقوق مالکیت صنعتی»^{۳۴} در ۳۵ اول می ۱۹۹۰ تصویب شد. تا قبل از سال ۱۹۹۵ قانون آلمان از لحاظ سیستم ثبت علائم تفاوتهای زیادی با قانون علائم تجاری کشورهای دیگر مثل ژاپن و آمریکا داشت. اما در قانون علائم تجاری اول ژانویه ۱۹۹۵، اصلاحات گسترده‌ای در آن انجام شد و تعداد مواد آن به ۱۶۴ ماده افزایش یافت. این قانون تا به امروز تغییر نکرده است. در این قانون مفاهیم جدیدی وارد شده است. از قبیل امکان واگذاری علائم تجاری به غیر، توسعه موارد ثبت علائم و سیستم حمایت از اشکال و علائم مشهور.^{۳۵}

۴. تاریخچه حمایت از نشانه‌های مبدأ جغرافیایی

در قرون وسطی، حمایت از این علائم از طریق اعطاء امتیاز انحصاری پادشاه به تولید کنندگان بود. به عنوان نمونه در کشور یوگوسلاوی در سال ۱۲۲۲ امتیاز تولید و فروش شراب برای اولین بار توسط پادشاه اعطا شد. در این دوره «علائم صنعتی» وسیله‌ای عمومی برای نشان دادن محل تولید کالا بود. مثل ایوان مورنو^{۳۶} که منتسب به جزائر مورانو^{۳۷} نزدیک ونیز ایتالیا بود. البته نظام مدرن حمایت از این علائم تنها در صد سال گذشته پدیدار گشت.^{۳۸} به دیگر سخن، دولتها از محصولات صنعتی بویژه صنایع غذایی مربوط به منطقه جغرافیایی خاص دست کم از اواخر قرن ۱۹، با استفاده از قوانین و مقررات «انتساب دروغین»

^{۳۲} - Examination.

^{۳۳} - Gesetz zumschutz der na nuyen bezeichnungen.

^{۳۴} - Warenzeichengestz.

^{۳۵} - Industrial Property Right Expansion Law.

^{۳۶} - Ausstattung.

^{۳۷} - Murno.

^{۳۸} - Murano.

^{۳۹} - <http://www.southcentre.org/publications/geoindication/geoindications.pdf>.

مو سوم به «پسینگ آف»^{۴۰} حمایت به عمل می‌آوردند. (Escudero, ۲۰۰۱) به موجب این قوانین، تجار و صنعتگرانی که به غلط کالای خود را به محل جغرافیایی خاص نسبت می‌دادند یا کالای خود را به دروغ واجد کیفیت ویژه محصولات آن منطقه قلمداد می‌نمودند، مسئولیت‌های حقوقی و مجازات‌هایی برای آنها در نظر گرفته شده بود. اولین تلاش مقدماتی صورت گرفته در این خصوص، اقدام قانون‌گذاران آلمانی نسبت به مجرم شناختن متقلبان و سازندگان محصولات تقلبی در ۱۱ سال بعد از انقلاب صنعتی — در حدود سال ۱۸۰۳ — بود. البته این کار در قالب حمایت از علائم تجاری بود با این تفاوت که مجازات‌های سنگین‌تری برای آن پیش‌بینی شده بود. اقدام مهم دیگر در این زمینه تصویب قانون ۲۸ ژوئیه ۱۸۲۴ بود که مجازات‌های جزایی را برای کسانی که به دروغ محصول خود را به محل جغرافیایی خاصی نسبت می‌دادند، در نظر گرفته شد. در این قانون نیازی به علامت‌گذاری^{۴۱} بر روی کالا و تعیین محل جغرافیایی آن نبود. اما اگر قرار معرفی محل جغرافیایی کالا بود، حتماً لازم بود به درستی قید شود. گرچه این قانون بسیار ابتدایی بود، اما آن را می‌توان اولین گام مقدماتی در قوانین مدرن حمایت از این علائم به شمار آورد.^{۴۲} در بین کشورهای اروپایی، فرانسه یکی از اولین کشورهای حامی و مشوق اصلی حمایت قانونی از این گونه محصولات در قرن ۱۹ میلادی بود. از آنجایی که کشور فرانسه در صنعت آشپزی و طبخ غذا از شهرت بالایی در اروپا برخوردار است، لذا بی‌جهت نیست که ایجاد نظام حمایت از مبدأ علائم جغرافیایی در فرانسه ریشه‌دارتر از دیگر کشورها باشد. سیستم انتخابی فرانسه بر اساس «مبدأ جغرافیایی»^{۴۳} برای کالاهای مخصوص بود. طبق این سیستم، تولیدکننده در صورتی مستحق استفاده از نشان (براند)^{۴۴} ویژه محل جغرافیای خاص بود که اولاً: شرایط لازم نسبت به محل و شیوه تولید را داشته باشد و ثانیاً: این نشانه به صورت رسمی ثبت شده باشد. در واقع اولین قانون مدرن در زمینه حمایت از نشانه‌های مبدأ جغرافیایی، قانون اول آگوست ۱۹۰۵ فرانسه است که در آن مقرراتی نسبت به شیوه‌های قانونی برخورد با جعل و تولید محصولات تقلبی پیش‌بینی شده بود. این قانون گرچه به مانند قانون ۱۸۲۴ نصب علامت مبدأ جغرافیایی را بر روی کالا ضروری نمی‌دانست، اما نوآوری‌هایی را به همراه داشت. بعد از «جنبش میدی»^{۴۵} در سال ۱۹۰۷ و فشار مردم به دولت، سرانجام نمایندگان مجلس مجبور به تصویب قانون دیگری به نام «قانون کازینو»^{۴۶} در ۵ آگوست ۱۹۰۸ شدند. هدف از وضع این قانون دو امر بود: ۱- پاسخ به درخواست توقف فروش شراب تقلبی از طریق برقراری حداقل استانداردهای مربوط به استفاده از نام جغرافیایی. ۲-

^{۴۰} - Passing off.

^{۴۱} - Labelling.

^{۴۲} - http://www.freehills.com/files/The_new_European_proposa_۰۰۵۱۲۳۷۱۲۷۱۸.pdf

^{۴۳} - Appellation of Origin.

^{۴۴} - Brand.

^{۴۵} - The Midi Wine Revolt of ۱۹۰۷

^{۴۶} - Lol Cazeneuve.

^{۴۷} - http://www.oconnor-european-lawyers.com/framesets/frameset_publications.html

تضمین به تولیدکنندگان شراب با کیفیت بالاتر از طریق سیستمی موسوم به «ای.ا.سی»^{۴۸} که در آن تو صیفی از ویژگی های شراب توسط مقامات اداری بر روی کالاها الصاق می شد. بعد از خاتمه جنگ جهانی اول و بروز بحران اقتصادی بعد از آن، فرانسه برای رهایی از این وضعیت اصلاحات گسترده ای را در قوانین حمایت از نشانه های جغرافیایی به محل آورد و در نهایت قانون ۶ می ۱۹۱۹ که همه محصولات غذایی را شامل می شد تصویب شد. قانون ۱۹۱۹ قانون جامعی بود که تغییرات اساسی را هم در صنعت تولید و عرضه شراب و هم در نحوه حمایت از علائم مبدأ جغرافیایی به وجود آورده بود. این قانون تا مدت های مدیدی اعتبار داشت و تنها اصلاحات جزئی بر روی آن انجام گرفت. تا اینکه در سال ۱۹۹۲ مقررات حمایت از علائم مبدأ جغرافیایی اتحادیه اروپا به جای آن نشست. قانون ۱۹۹۲ همزمان دو هدف را تعقیب کرده است: ۴۹— به مشتری نسبت به مبدأ، شیوه ساخت و کیفیت محصول تضمین لازم را داده است. ۵۰— از نام اختصاصی استفاده شده توسط تولید کننده در برابر سوء استفاده احتمالی اشخاص حمایت شده است. در کشورهای کامن لا، کشورهایی که تابع رژیم حقوق انگلستان بودند، از نظام «انتساب دروغین» یا «پاسینگ آف» که شاخه ای از نظام رقابت غیر منصفانه بود استفاده می کردند. در آمریکا علاوه بر نظام یادشده، «سیستم ارتکاب جرم تقلب»^{۵۱} در استفاده عمومی از کالا نیز به کار گرفته می شد.

۵. تاریخچه حقوق مالکیت صنعتی در کشور اسلامی مالزی

به طور کلی ادیان الهی، بر تفکر و اندیشه تأکید داشته و نسبت به فراگیری علم و دانش پیروان ادیان خود را تشویق نموده و عالمان و نوآوران را برتری می دهند. به ویژه شریعت اسلامی، تشویق های زیادی در این باره دارد. به دیگر سخن در تاریخ تمدن اسلامی علم آموزی و افزایش سطح آگاهی مسلمانان و به عبارتی تشویق جامعه اسلامی به تولید فکر و اندیشه از همان آغاز مورد تأکید فراوان ببنان گذار شریعت و امامان معصومین بعد از او بوده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از همان روزهای نخستین دعوت، کسب دانش را به عنوان یک ارزش عالی مطرح نمودند و برای بالا بردن سطح دانش اجتماع، آزادی هر اسیر جنگی باسواد را مشروط به آموزش دادن جمعی از مسلمانان کرده بودند. در شریعت اسلامی دانشمندان نسبت به افراد دیگر دارای امتیاز بوده و نسبت به دیگران برتری هایی دارند. در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام متفکران قابل حمایت اند و حقوق اختراعات و ابداعات آنان مورد توجه قرار گرفته است.

از زمان ورود اسلام به مالزی در قرن هفتم میلادی، اسلام از نظر اجتماعی، سیاسی و فکری تأثیر شگرفی در زندگی مالایی ها داشته است؛ هر چند در زمان ورود اسلام به این سرزمین اختلافاتی وجود دارد. (Azmi, ۱۹۹۵: ۱۶) هنگامی که اسلام برای

^{۴۸} - Appellation of Control " or AOC for short

^{۴۹} - <http://ec.europa.eu/agriculture/foodqual/quali%en.htm>

^{۵۰} - Fraud.

^{۵۱} - http://www.wipo.int/about-ip/en/about_geographicalind.html

اولین بار به مالایا آمد، تا زمان تغییر مذهب سلطان نشینان مالاکا در قرن سیزدهم میلادی یک دین شخصی بود. بسیاری از مورخان، تبدیل سلطنت‌های مالاکا به اسلام را عامل اصلی ارتقای جایگاه اسلام به عنوان یک دین رسمی و به عنوان منبع قانون می‌دانند. (Azmi, ۱۹۹۵: ۱۸)

نفوذ عمیق اسلام به این سرزمین، تا حدی است که برخی از نویسندگان مدعی نفوذ احکام اسلامی در اعتقادات شخصی تا حل و فصل اختلافات و نهادهای صالح می‌باشند و از این رو اندیشمندان مالایی برای استفاده و درک بهتر از قواعد اسلامی، با رجوع به منابع علمی مسلمانان از خاورمیانه و مجموعه قوانین دولت عثمانی موسوم به "مجله الاحکام" و ترجمه آن‌ها به زبان مالایی، به غنای نظام حقوقی خود می‌افزودند و این امر تا جایی گسترش پیدا کرد که در یکی از ایالات‌های این کشور، قانون اساسی بر مبنای قواعد شریعت نگاشته شد. (Azmi, ۱۹۹۵: ۱۸)

اما کشور پنهانور مالزی نیز از سلطه استعمار بی نصیب نبوده است و در دوره‌های مختلف توسط کشورهای مثل هند، پرتغال و انگلیس مورد سلطه قرار گرفته و در سال ۱۹۵۷ استقلال خود را به دست آورده است. کشور مالزی طی چند قرن تا قبل از استقلال خود، حکومت‌های مختلفی را به خود دیده است و حتی با توجه به وسعت سرزمینی آن، گاهی در یک زمان، چند دولت محلی نیز آن را اداره می‌کرده است و این تنوع به تبع، موجب تنوع در نظام حقوقی این کشور شده است.

۱-۵. ایالات مالایی تحت مدیریت بریتانیا

عمده ترین کشوری که با استفاده از استعمار بیشترین تاثیر را بر این کشور داشت انگلیس بود و در ابتدای ورود به این کشور، یک منطقه ای موسوم به شهرک های تنگه^{۵۲} (strait settlement) را با توافق پادشاه آن، زیر سلطه خود قرار داده و نفوذ خود را آغاز نمودند.

اولین گامی که بریتانیا برای نفوذ هر چه بیشتر تسلط خود برداشت تعیین مستشاران بریتانیایی بود. وظیفه مستشاران انگلیسی مشاوره دادن به سلاطین در امور مربوط به اداره کشورها بود و قوانین اسلامی را به عنوان یک قانون شخصی بر افراد معرفی کرده و در موضوعاتی که جزء حقوق عمومی محسوب می‌شود، حقوق انگلیس به عنوان قانون عملی عام معرفی شد و این دیدگاه به سه روش صورت پذیرفت: با معرفی قوانینی که از قوانین انگلیسی الگوبرداری شده بود و اصلاح و نوسازی اجرای احکام اسلامی. (Azmi, ۱۹۹۵: ۲۱) و برای اجرای قوانین وارداتی اقدام به تشکیل دادگاه های مدنی در مقابل دادگاه های شرعی نمودند. مناطق مالزی به صورت ایالتی بوده و هر کدام دارای حکومت مخصوص به خود بوده اند؛ منطقه شهرک های تنگه، ایالات فدرال مالایی، ایالات غیر فدراسیون مالایی، مناطق ساراواک و شمال بورنئو (Sarawak & North Borneo). عمده

^{۵۲} این شهرک ها شامل پنانگ، استان ولزلی، سنگاپور، مالاکا، جزیره پانگکور، دینینگ، جزیره کوکوس و جزیره کریسمس بود.

شکل گیری قوانین مربوط به حقوق مالکیت صنعتی از منطقه شهرک های تنگه بر اساس قوانین بریتانیا آغاز گردیده و در مناطق دیگر نیز نفوذ حداکثری نیز داشته است که در ذیل به آن ها خواهیم پرداخت.

۵-۲. قوانین مالکیت صنعتی در شهرک های تنگه

اولین قانون محلی در مورد اختراعات در سال ۱۸۷۱، علائم تجاری در سال ۱۸۸۸، و طرح صنعتی در اواخر سال ۱۹۳۱ بود. این قوانین ابتدا در یک منطقه ای موسوم به شهرک های تنگه (Straits Settlements) که تحت سلطه استعمار بود تصویب گردید و بعداً به ایالت های مالایی فدرال و ایالت های مالایی غیرفدراسیون گسترش یافت جالب آن که برخی از نویسندگان معقدند در غیر از حقوق مالکیت صنعتی، قوانین انگلیسی در این ایالت ها به طور کلی نفوذ نکرده بود. (Azmi, ۱۹۹۵: ۳۱)

۵-۲-۱. حقوق اختراعات

در سال ۱۸۷۱ بود که شورای قانونگذاری فرمان اختراعات ۱۸۷۱ را تصویب کرد و تا سال ۱۹۲۴ نیز این قانون پابرجا بود؛ این فرمان یک نظام دوگانه ای برای اختراعات محلی و حقوق ناشی از اختراعات ثبت شده در بریتانیا و ایرلند شمالی را به وجود آورد.

ویژگی های این فرمان از قرار ذیل است:

۱. در این فرمان نسبت به اختراعات جدید حقوق انحصاری اعطا شده است؛ اما گستره جدید بودن، به معنای جدید نبودن آن در بریتانیا و عدم انتساب آن به دیگران می باشد.

۲. وجود پیش ثبت نام برای مخترع در جلوگیری از نقض نو بودن در صورت استفاده از اختراع توسط مخترع و زیردستان او.

۳. پیش بینی مواردی برای مجوز اجباری، تعلیق امتیازات و حتی لغو آن.

۴. امکان استفاده از حقوق انحصاری اختراعات ثبت شده در بریتانیا در این منطقه.

۵. ایجاد دادگاه های عالی برای رسیدگی به اختلافات در این زمینه. (Azmi, ۱۹۹۵: ۳۴-۳۵)

۵-۲-۲. حقوق علائم تجاری

بر اساس سیاست بریتانیا، در این منطقه، قانون منع جعل علائم تجاری وجود داشت تا قانون علائم تجاری؛ که مطابق با این قانون، واردات کالاهای خارجی دارای اسامی، مارک ها، علائم تولید کنندگان مقیم بریتانیا به متصرفات بریتانیا ممنوع بود.

در سال ۱۹۸۸، اولین فرمان محلی توسط شورای قانونگذاری تصویب شد. بعداً در سال ۱۹۱۷، فرمان ۱۸۸۸ لغو شد. فرمان ۱۹۱۷ ویژگی‌های اساسی فرمان ۱۸۸۸ حفظ کرد. برای اولین بار "علامت تجاری" به معنای امروزی آن به تصویب رسید و در کنار علائم تجاری، علائم اموال (property mark)^{۵۳} نیز به تصویب رسید. (Azmi, ۱۹۹۵: ۳۸-۳۹)

۳-۲-۵. طرح صنعتی

اولین قانون مربوط به طرح‌های ثبت شده در شهرک‌های تنگه در سال ۱۹۳۱ ارائه شد. هنگامی که حقوق انحصاری اعطا شد، مالک امتیازات و حقوق یکسانی را در بریتانیا دریافت کرد. (Azmi, ۱۹۹۵: ۴۱)

بیان این نکته ضروری است که دیگر مناطق در مالزی همان‌طور که در بالا از آن‌ها نام بردیم با توجه به توسعه سیطره بریتانیا هر چند این سیطره مثل شهرک‌های تنگه نبود ولی از قوانین و فرمان‌های این شهرک تأثیر زیادی پذیرفته و مطلبی فراتر از نکات بالا در نظم حقوقی آن‌ها وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یاد شده روند تکاملی حقوق مالکیت صنعتی به ویژه در اروپا، ابتدا با حمایت از صنعتگر در اشکال مختلف آغاز گردید، امری که مشابه آن بعد از قرون ابتدایی در اروپا، در انگلستان نیز با عنوان اصناف (گیلدها) ادامه پیدا کرد و به موازات آن، استفاده از اعطای اختراع نامه، لطف سلطنتی نیز از جانب پادشاه، حمایت از نوآوری و صنعتگران را دوچندان نمود؛ هر چند تفاوت معنایی میان اختراعات و صنعت آن زمان با زمان معاصر وجود دارد ولی جز در قرون وسطی، این روند حمایتی تأثیرات شگرفی در اروپا به وجود آورده است که اولین اثر آن، ایجاد نظام حقوقی حمایت از اختراعات در ونیز ایتالیا بود. هر چند این نظام ملی بود و در سراسر اروپا نفوذ پیدا نکرد ولی نقطه عطفی در ورود به نظام نوین حمایتی محسوب می‌گردد. بعد از مدتی، قانون انحصار در انگلستان نیز این روند را تا حدی کامل کرد؛ در این کشور با لغو یکسری از انحصارات، انحصار منافع را برای تولیدات جدید در این کشور پیش‌بینی نمود؛ شاید بتوان اوج این روند را در نظام حقوقی ایالات متحده دانست؛ چرا که در این نظام حقوقی، حمایت از نوآوری و صنعت لطف حکومت تلقی نمی‌گردد بلکه دولت‌ها را ملزم به تضمین حمایت از حقوق خصوصی افراد می‌دانستند. هر چند حمایت از اختراعات، دیگر مصادیق مالکیت صنعتی را تحت الشعاع خود قرار داده است ولی دغدغه حفظ کیفیت محصولات و کالاهای تولیدی نیز موجب توجه دولت‌ها بوده است؛ البته توجه اولیه دولت‌ها، حفظ کیفیت کالاها و خدمات با معیار علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی بود و بعدها موضوعات عمیق‌تر، مثل حمایت از تولیدکنندگان و آرایه‌کنندگان خدمات و وجه تمایز بین تولیدکنندگان از طریق این علائم، شبیه جریان معاصر شکل گرفت.

^{۵۳} علامتی که نشان می‌دهد هر اموال منقول متعلق به شخص خاصی است.

کشورهای غربی در حمایت از نوآوری، به ویژه در حقوق مالکیت صنعتی، در استفاده از ابزار تعریف شده خود به مدد روند تکاملی حمایت از این آثار، گوی سبقت را از دیگر رقبا ربوده اند و این امر تا حدی است که این ابزار، به کمک استعمارگری این دولت ها نیز در راستای منافع خود مورد توجه و استفاده قرار گرفته است، تاریخچه اندک این ادعا، در مورد کشور اسلامی مالزی نیز مورد بررسی قرار گرفته است؛ هر چند به یک باره نمی توان بر خلاف جریان شکل گرفته در طول چند قرن، حرکت نمود و هم چنین با تصویب قوانین حمایت از حقوق مالکیت صنعتی توسط کشورهای در حال توسعه مسلمان که به ظاهر تاییدی بر این روند جهانی است اما، دولتمردان نمی توانند از توسعه کشور خود غافل بوده و تحفه غرب را بدون چون و چرا قبول نمایند؛ هر چند صرف ادعا کافی برای نیل به مقصود نیست.



۱۰. <http://www.djstein.com/IP/Files/History%20of%20Patents%20and%20the%20Basis%20of%20Claim%20Construction.doc>, [۲۰۲۴/۲/۲۵, ۱۸,۰۰]
۱۱. [http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.۲۰۰۴-۱۲-۱۸۰.۸۵۳۵۶۱۲۵۷\[\[\[۴۴۴۴/۱/۰۰ ۲۱۰۰۰\]\]](http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.۲۰۰۴-۱۲-۱۸۰.۸۵۳۵۶۱۲۵۷[[[۴۴۴۴/۱/۰۰ ۲۱۰۰۰]])
۱۲. A history of patents, the Basic for claim construction (www.Dstein.Com/ip/files/history), [۲۰۲۴/۱/۲, ۲۰,۰۰]
۱۳. <http://www.jur.lu.se/Internet/Utbildning/kurser/Albert.doc>, [۲۰۲۴/۲/۳۰, ۲۰,۰۰]
۱۴. <http://www.djstein.com/IP/Files/HistoryConstruction.doc>, [۲۰۲۴/۱/۲۹, ۱۹,۰۰]
۱۵. <http://www.virginialawreview.org/content/pdfs/۹۱/۱۳۱۳.pdf>, [۲۰۲۴/۱/۲۸, ۱۸,۰۰]
۱۶. <http://www.druid.dk/conferences/summer۲۰۰۳/Papers/GRANDSTRAND.pdf>, [۲۰۲۴/۱/۳, ۲۱,۰۰]
۱۷. <http://www.wipo.org/tk/en/hr/paneldiscussion/papers/word/drahos.doc>, [۲۰۲۳/۱۲/۲۰, ۱۹,۰۰]
۱۸. <http://www.iip.or.jp/translation/ono/ch۲.pdf>, [۲۰۲۳/۱۱/۱۵, ۲۱,۰۰]
۱۹. http://en.wikibooks.org/wiki/US_Trademark_Law, [۲۰۲۴/۱/۳, ۱۸,۰۰]
۲۰. <http://www.southcentre.org/publications/geoindication/geoindications.pdf>, [۲۰۲۳/۱۲/۱۰, ۱۸,۰۰]
۲۱. http://www.freehills.com/files/The_new_European_proposa_۰۰۵۱۲۳۷۱۲۷۱۸.pdf, [۲۰۲۴/۳/۳, ۲۰,۰۰]
۲۲. http://www.oconnor-european-lawyers.com/framesets/frameset_publications.html, [۲۰۲۴/۲/۰۰ ۲۰,۰۰]
۲۳. <http://ec.europa.eu/agriculture/foodqual/quali\en.htm>, [۲۰۲۴/۲/۶, ۲۱,۰۰]
۲۴. http://www.wipo.int/about-ip/en/about_geographicalind.html, [۲۰۲۳/۴/۸, ۲۰,۰۰]
۲۵. <https://www.worldtrademarkreview.com/guide/the-wtr-yearbook/۲۰۲۲/article/france>, [۲۰۲۴/۰۳/۰۹, ۲۱,۰۰]
۲۶. <https://www.britannica.com/biography/Solon>, [۲۰۲۴/۳/۹, ۲۱,۰۰]